Original Article **Open Access**

Health Law Journal

2024; 2: e32

International ThinkTank of Human Dignity | The Bioethics and Health Law Institute | The Iranian Association of Medical Law

The Theory of the Right to Effective Compensation for Children in Cyberspace and Legal Analysis in Light of General Comment No.27 of the Committee on the Rights of the Child

Yeganeh Soufia[1], Mohammad Mehdi Seyednasseri[2*]

1. Department of Law, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The rapid expansion of the digital environment has fundamentally reshaped traditional frameworks for the protection of children's rights. While offering significant educational and social opportunities, the online sphere simultaneously exposes children to serious risks, including digital addiction, cyberbullying, privacy violations and psychological and developmental harms. In this context, re-conceptualizing the child's right to health and the right to effective remedies in digital settings-guided by General Comment No. 27 of the Committee on the Rights of the Child-has become a central imperative within contemporary international human rights law.

Methods: Employing an analytical–critical approach, this article examines the legal, ethical and institutional requirements for the protection of children in cyberspace. Drawing on international instruments, digital-ethics standards and supervisory practice, it investigates the mechanisms through which States and digital platforms can fulfil their obligations to secure these rights.

Ethical Considerations: The research relies exclusively on secondary data, adheres to scholarly impartiality, respects the dignity of the child and avoids any form of harmful or sensational representation.

Findings: The analysis reveals that the absence of a binding global regulatory framework, conflicts between the economic interests of platforms and ethical imperatives, weak national legislation and the lack of measurable indicators constitute major obstacles to the effective realization of children's rights to health and remedies in cyberspace. The study underscores the need to restructure domestic regulatory systems, enhance multilateral cooperation, strengthen transparency and accountability mechanisms for platforms and integrate legal regulation with digital-ethics principles.

Results: Ensuring these rights requires a shift from a purely protective paradigm toward a preventive, dignity-centred and justice-oriented framework. General Comment No.27 offers a normative foundation for building a coherent system capable of safeguarding children in the digital age and advancing digital justice and effective remedies.

Keywords: Digital Justice; Children's Rights; Right to an Effective Remedy; Child Health; Human Dignity; Cyberspace; General Comment No.27

Corresponding Author: Mohammad Mehdi Seyednasseri; **Email:** Sm.snaseri@gmail.com

Received: June 04, 2024; **Accepted:** February 17, 2025; **Published Online:** March 17, 2025

Please cite this article as:

Soufia Y, Seyednasseri MM. The Theory of the Right to Effective Compensation for Children in Cyberspace and Legal Analysis in Light of General Comment No.27 of the Committee on the Rights of the Child. Health Law Journal. 2024; 2: e32.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

Copyright©2024, the Authors. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format for any purpose, even commercially) and Adapt (remix, transform and build upon the material for any purpose, even commercially) under CC BY 4.0 terms.

دسترسی آزاد | مقاله پژوهشی

مجله حقوق سلامت

دوره دوم، ۱۴۰۳

اندیشکده بین المللی کرامت انسانی | انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت | انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

حق بر سلامت و نظریه جبران خسارت مؤثر کودکان در فضای سایبر و تحلیل حقوقی در پرتو نظر عمومی شماره ۲۷ کمیته حقوق کودک

یگانه صوفیا[۱]، محمدمهدی سیدناصری[۲*]

۱. گروه حقوق، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: گسترش شتابان فضای سایبری ساختارهای سنتی حمایت از حقوق کودک را دگرگون کرده و در کنار فرصت‌های آموزشی و اجتماعی، تهدیدهایی جدی همچون اعتیاد دیجیتال، خشونت سایبری، نقض حریم خصوصی و آسیب‌های روانی و هویتی ایجاد کرده است. در چنین زمینه‌ای، بازتعریف حق کودک بر سلامت و جبران خسارت مؤثر در محیط دیجیتال ـ با استناد به نظر عمومی شماره ۲۷ کمیته حقوق کودک ـ ضرورتی بنیادین در نظام حقوق بین‌الملل معاصر است.

روش: مقاله با رویکرد تحلیلی ـ انتقادی و بر پایه اسناد بین‌المللی، استانداردهای اخلاق دیجیتال و رویه‌های نظارتی، الزامات حقوقی و نهادی حمایت از کودکان در محیط سایبری را بررسی می‌کند و می‌پرسد که دولت‌ها و پلتفرم‌ها با چه سازوکارهایی می‌توانند این حقوق را تضمین کنند.

ملاحظات اخلاقی: پژوهش مبتنی بر داده‌های ثانویه، رعایت بی‌طرفی علمی، احترام به کرامت کودک و پرهیز از هرگونه بازنمایی آسیب‌زا است.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد که نبود یک رژیم الزام‌آور جهانی، تعارض منافع اقتصادی پلتفرم‌ها، ضعف قانونگذاری ملی، فقدان شاخص‌های سنجش‌پذیر و کم‌توجهی به اخلاق دیجیتال، مانع تحقق مؤثر حق سلامت و حق جبران خسارت کودکان در فضای مجازی شده است. این مقاله بر ضرورت بازآرایی نظام‌های ملی، تقویت همکاری‌های چندجانبه، ارتقای شفافیت پلتفرم‌ها و تلفیق تنظیم‌گری حقوقی با اخلاق دیجیتال تأکید می‌کند.

نتایج: تحقق این حقوق مستلزم گذار از رویکرد حمایتی به چارچوبی پیشگیرانه، کرامت‌محور و عدالت‌محور است. نظر عمومی شماره ۲۷ می‌تواند زیربنای شکل‌گیری نظامی منسجم برای حمایت از کودکان در عصر دیجیتال باشد و راه را برای عدالت دیجیتال و جبران خسارت مؤثر هموار کند.

واژگان کلیدی: عدالت دیجیتال؛ حقوق کودک؛ حق بر جبران خسارت؛ سلامت کودک؛ کرامت انسانی؛ فضای مجازی؛ نظر تفسیری شماره ۲۷

نویسنده مسئول: محمدمهدی سیدناصری؛ **پست الکترونیک:** Sm.snaseri@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۳/۱۱/۲۹؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Soufia Y, Seyednasseri MM. The Theory of the Right to Effective Compensation for Children in Cyberspace and Legal Analysis in Light of General Comment No.27 of the Committee on the Rights of the Child. Health Law Journal. 2024; 2: e32.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

مقدمه

تحول فناوری‌های نوین اطلاعاتی و گسترش روزافزون فضای مجازی، ابعاد جدیدی از تعاملات انسانی را رقم زده است که کودکان نیز به عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی، به شدت تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند. ظهور زیست‌جهان دیجیتال، مرزهای سنتی در حوزه حمایت از حقوق کودک را جا به جا کرده و چالش‌های نوپدیدی در زمینه تضمین حقوق بنیادینی نظیر حق بر سلامت، امنیت روانی و کرامت انسانی کودکان ایجاد کرده است. استفاده از اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای هوشمند، گرچه فرصت‌هایی برای یادگیری، رشد شناختی و مشارکت اجتماعی فراهم آورده، اما در عین حال، بستر ظهور تهدیدهایی چون خشونت سایبری، بهره‌کشی تجاری، تعرض به حریم خصوصی و آسیب‌های روانی و رفتاری نیز بوده است. در این میان، یکی از مفاهیم مغفول مانده، اما بنیادین در ادبیات حقوقی معاصر، حق بر جبران خسارت مؤثر (Effective Remedy) برای کودکان آسیب‌دیده در فضای مجازی است؛ حقی که نه‌تنها در پرتوی اصل حاکمیت قانون و اصل کرامت انسانی تفسیر می‌شود، بلکه مستقیماً ریشه در اسناد بین‌المللی نظیر ماده ۳۹ کنوانسیون حقوق کودک و نظریه تفسیری شماره ۲۷ کمیته حقوق کودک دارد. این نظریه تفسیری، با تمرکز بر حقوق کودکان در محیط دیجیتال، بر لزوم تدوین سیاست‌های حمایتی، مقررات الزام‌آور و سازوکارهای نظارتی مؤثر جهت جبران خسارات وارده بر کودکان در بسترهای دیجیتال تأکید می‌ورزد.

مسأله اساسی این پژوهش آن است که در فقدان چهارچوب‌های حقوقی الزام‌آور و سازوکارهای اجرایی شفاف، چگونه می‌توان از منظر حقوق بین‌الملل بشر و اصول اخلاق زیستی، نظریه حق بر جبران خسارت مؤثر را در فضای مجازی به گونه‌ای تبیین و استقرار بخشید که هم‌راستا با کرامت ذاتی کودک و اصل عدم آسیب باشد؟ این پرسش، با در نظرگرفتن تحولات فناوری و سوءاستفاده‌های مدرن از کودکان، ضرورت بازاندیشی در رویکردهای تقنینی و سیاستگذاری ملی و بین‌المللی را دوچندان می‌سازد.

هدف این مقاله تحلیل و بازخوانی حق بر جبران خسارت مؤثر کودکان در فضای مجازی بر اساس نظریه تفسیری شماره ۲۷ و دیگر اسناد بین‌المللی است. در این راستا، ابتدا به تبیین مفهوم و مبانی اخلاقی و حقوقی کرامت انسانی کودک پرداخته می‌شود، سپس مصادیق تهدیدهای نوپدید در فضای دیجیتال تحلیل می‌گردد. در نهایت، چهارچوبی برای تدوین سیاست‌های حمایتی و مقررات الزام‌آور با هدف جبران مؤثر خسارات وارده بر کودکان در فضای مجازی پیشنهاد می‌شود.

روش

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی ـ تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای، اسناد بین‌المللی و رویه‌های نهادهای نظارتی حقوق بشر انجام شده و نوآوری آن در ارائه الگویی نظری برای تضمین جبران خسارت کودکان در فضای مجازی بر پایه اصول اخلاق زیستی و حقوق کودک نهفته است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

نتایج نشان می‌دهد که علیرغم افزایش حساسیت جهانی نسبت به مخاطرات دیجیتال، نبود یک رژیم حقوقی منسجم و الزام‌آور، ضعف در هماهنگی میان دولت‌ها و شرکت‌ها و تعارض میان منافع اقتصادی پلتفرم‌ها و الزامات اخلاقی، مانع تحقق کامل حق کودک بر سلامت و جبران خسارت مؤثر شده است. همچنین فقدان شاخص‌های سنجش‌پذیر، کم‌رنگ‌بودن اخلاق دیجیتال در سیاستگذاری، نبود سازوکارهای پاسخ‌دهی بین‌المللی و ناتوانی بسیاری از دولت‌ها در قانونگذاری مبتنی بر مصلحت کودک، از موانع ساختاری موجود است. مقاله بر ضرورت بازطراحی نظام‌های قانونگذاری ملی، تقویت

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

همکاری‌های چندجانبه، ایجاد نظام‌های شفاف پاسخ‌دهی در پلتفرم‌ها و تلفیق مقررات سختگیرانه با اصول اخلاق دیجیتال تأکید می‌کند. بر اساس تحلیل‌های این پژوهش، تحقق حق بر سلامت و جبران خسارت مؤثر کودکان در فضای سایبر مستلزم گذار از نگاه صرفاً حمایتی به رویکردی «پیشگیرانه»، «کرامت‌محور» و «عدالت‌محور» است. نظر عمومی شماره ۲۷ چهارچوبی تحول‌آفرین برای بازتعریف مسئولیت دولت‌ها، شرکت‌های فناوری و نهادهای بین‌المللی ارائه می‌کند؛ چهارچوبی که می‌تواند پایه شکل‌گیری یک رژیم نوین عدالت دیجیتال بوده و تضمین کند که هیچ کودک، در هیچ کجای جهان، در برابر آسیب‌های سایبری بی‌دفاع نماند. این پژوهش در پایان توصیه‌هایی برای طراحی سیاست‌های ملی و بین‌المللی ارائه می‌دهد که هدف آن‌ها ایجاد فضای دیجیتال ایمن، اخلاقی و عدالت‌محور برای کودکان است.

بحث

۱. ابعاد حقوقی و اثرات منفی بهره‌کشی از کودکان در فضای سایبر: با فراگیرشدن اینترنت و فضای مجازی، کودکان به عنوان قشر آسیب‌پذیر جامعه در معرض خطرات و چالش‌های متعددی قرار گرفته‌اند که به اشکال مختلفی نمود پیدا می‌کند که تبعات قابل توجهی را به دنبال دارد. این پدیده نه‌تنها به حقوق بنیادین کودکان لطمه وارد می‌کند، بلکه تبعات روانی و اجتماعی عمیقی را نیز به همراه دارد که زیر پاگذاشتن اخلاقیات و کرامت انسانی، از جمله این تبعات است (۱). در ادامه به بررسی این موارد خواهیم پرداخت.

کودکان در محیط دیجیتال با انواع مختلفی از مسائل امنیتی مواجه هستند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، حریم خصوصی و حفاظت از داده‌هاست که به توجه قانونگذاران نیاز دارد (۲). در تعریف حریم خصوصی می‌توان گفت که این مفهوم بر آن است که اشخاص بتوانند داده‌های مربوط به خود را ایمن نگه دارند و اطلاعات مرتبط با خود را به انتخاب و تصمیم خودشان در میان دیگران به اشتراک بگذارند (۳). تحقیقات نشان داده است که حقوق کودکان، به ویژه حریم خصوصی آن‌ها، تحت پوشش تعداد زیادی از مقررات بین‌المللی قرار دارد. در سطح اروپا، اتحادیه اروپا و شورای اروپا حقوق حریم خصوصی و حفاظت از داده‌ها را تضمین می‌کنند. در ایالات متحده، قانون حفاظت از حریم خصوصی آنلاین کودکان به عنوان قانونی ضروری در این زمینه شناخته می‌شود (۴). در سال ۲۰۱۳، مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای را تصویب نمود که صراحتاً به حمایت از حریم خصوصی و تحقق این حق در محیط دیجیتال پرداخته و اهمیت آن را برای جامعه جهانی آشکار کرد. این قطعنامه تأکید می‌کند که حق بر حریم خصوصی یک حق بشری است و باید همانگونه که به حقوق افراد در محیط آفلاین احترام گذاشته می‌شود و حقوق بنیادین ابنای بشر به رسمیت شناخته می‌شود، در فضای آنلاین و دیجیتال هم احترام به این حقوق ضروری است و نباید نقض شود. شایع‌ترین نقض‌های مربوط به داده‌ها و حریم خصوصی کودکان شامل اشتراک‌گذاری داده‌های آنلاین و شیوه‌های جمع‌آوری داده‌ها توسط برنامه‌های موبایل است. این مشکلات بیشتر در مواردی بروز پیدا می‌کند که والدین از کودکان خود تصاویر و ویدئوهایی در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنند که به راحتی در دسترس افراد غریبه و سودجو قرار می‌گیرند. طبق قانون حفاظت از حریم خصوصی آنلاین کودکان در ایالات متحده آمریکا، جمع‌آوری اطلاعات از کودکان زیر سن ۱۳ سال نیاز به رضایت والدین دارد. متأسفانه بسیاری از افراد سودجو و شرکت‌ها با اهداف تبلیغات تجاری، از روش‌های غیر اخلاقی و فریبنده و عدم شفافیت در سیاست‌های حریم خصوصی، این قانون را نقض می‌کنند که این امر عملاً نقض حریم خصوصی کودکان به عنوان یکی از حقوق بنیادین است. از نظر حقوقی، نقض حریم خصوصی کودکان در محیط دیجیتال می‌تواند به مشکلات جدی در زمینه مسئولیت‌پذیری و پیگرد قانونی منجر شود. علاوه بر بعد حقوقی، این مسأله نمونه بارز از عدم رعایت اصول اخلاقی و شأن انسانی است. تهدیدات بالقوه‌ای که به دلیل اشتراک‌گذاری بیش از حد داده‌های شخصی برای کودکان در محیط دیجیتال ایجاد می‌شود (۵)، نیازمند حفاظت قانونی

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

است تا حقوق بنیادین کودک نقض نشود و تضمینی برای تحقق آن وجود داشته باشد، زیرا تهدیدات ناشی از اشتراک‌گذاری بیش از حد داده‌ها، در پی نقض حریم خصوصی، می‌تواند به جرائم مختلفی مانند آزار سایبری، تهدیدات پدوفیلی، سرقت و دستکاری هویت منجر شود. به همین علت، کشورهای مختلفی، از جمله ایالات متحده آمریکا، کانادا، فرانسه و بریتانیا مقرراتی را در خصوص حفاظت از کودکان در محیط دیجیتال تعیین کرده‌اند که این تدابیر بیانگر اهمیت توجه به حقوق کودکان در این فضا است. محیط دیجیتال نقش استراتژیکی در انتقال اطلاعات به عموم دارد و با ناآگاهی و عدم استفاده صحیح، به راحتی به افشای اطلاعات منجر می‌شود. در این میان، مسئولیت حفاظت از حقوق، حریم خصوصی و کرامت کودکان نباید از یاد برود، زیرا کودکان درگیر با این مشکل چه به عنوان قربانی و چه به عنوان شاهد، اغلب با خطر نقض حریم خصوصی مواجه‌اند. در حقیقت، بسیاری از نگرانی‌های مربوط به نقض حریم خصوصی کودکان، به اشتراک‌گذاری محتوای مرتبط با آن‌ها توسط اینفلوئنسرها برمی‌گردد (۴). در عصر تکنولوژی، مادران اینفلوئنسر، یعنی مادرانی که با به اشتراک‌گذاری تجربیات مادری و فعالیت‌های روزمره کودکان خود در شبکه‌های اجتماعی، دنبال‌کنندگان زیادی پیدا کرده‌اند، ممکن است نگرانی‌هایی در خصوص نقض حریم خصوصی کودکانشان داشته باشند. این موضوع منجر به شکل‌گیری نوعی پارادوکس تحت عنوان «حریم خصوصی ـ بازبودن» می‌شود. در این وضعیت، مادران تمایل دارند مزایای صحیح و فوری اشتراک‌گذاری داده‌ها را هنگام حفاظت از حریم خصوصی کودکانشان از دست بدهند که این امر آن‌ها را بیشتر به افشای جزئیات شخصی تحریک می‌کند (۵). واضح است که کودکان از فعالیت‌های اینفلوئنسری مادرانشان، کمترین یا هیچ سودی نمی‌برند و در عوض، در معرض نقض حریم خصوصی قرار دارند. نهایتاً اشتراک‌گذاری اطلاعات شخصی کودکان در فضای دیجیتال به سادگی می‌تواند منجر به نقض حریم خصوصی شود، در حالی که بسیاری از کودکان قادر به درک کامل پیامدهای آن نیستند و به طور ناخواسته و ناخودآگاه در معرض خطر و نقض حقوق، قرار می‌گیرند.

در پی حضور کودکان در بستر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، دسترسی به هر نوع محتوایی به سادگی امکان‌پذیر است و استفاده از فیلترشکن‌ها این امر را تسهیل می‌کند. گسترش محتوای مضر در محیط دیجیتال یک مشکل اجتماعی عمده است که به اشکال مختلفی، از جمله نفرت‌پراکنی، زبان توهین‌آمیز، آزار و اذیت، اطلاعات نادرست، هرزنامه، خشونت، محتوای پورنوگرافی و سوءاستفاده جنسی، خودآزاری و بسیاری موارد دیگر بروز می‌کند. مدیریت چنین محتواهایی برای محدودکردن آسیب‌های اجتماعی مربوط به کودکان ضروری است تا محیطی فراگیرتر و متناسب با موازین اخلاقی و سن و تحقق حقوق بنیادین آن‌ها ایجاد شود (۶). توجه جامعه حقوقی به دسترسی آسان کودکان به اطلاعات مضر در فضای دیجیتال افزایش یافته و ضرورت حفاظت از حقوق کودکان را مطرح می‌کند تا رشد روانی و اجتماعی کودکان مورد حمله قرار نگیرد. بسیاری از کشورها قوانین و مقرراتی را برای محدودکردن دسترسی کودکان به محتوای نامناسب وضع کرده‌اند، اما اجرای این قوانین به دلیل ماهیت پویا و غیر قابل پیش‌بینی فضای آنلاین، با چالش‌هایی مواجه است. بنابراین لازم است تا پلتفرم‌های دیجیتال نیز مسئولیت بیشتری در قبال محتوایی که ارائه می‌دهند، بر عهده بگیرند. در عصر تکنولوژی، نمی‌توان انکار کرد که فعالیت‌های کودکان همانند بزرگسالان تحت تأثیر فناوری قرار دارد و افزایش استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در جوامع تأثیرات اجتماعی و اخلاقی زیادی به همراه دارد که لازم است در مورد کودکان کنترل شود. این تأثیرات منفی شامل تضعیف و کاهش فرهنگ، افزایش انزوا و تنهایی اجتماعی، خطرات امنیت سایبری و دسترسی به محتوای غیر اخلاقی، تحریک به پرخاشگری و حتی اقدام به خودکشی و موارد دیگر است. بنابراین ضروری است که این تأثیرات منفی کاهش یافته و به طور کامل از بین بروند و در عوض، جنبه‌های مثبت استفاده از فضای دیجیتال برای کودکان، نظیر ارتباطات بهبودیافته با همسالان، دسترسی سریع به اطلاعات مفید و سالم و متناسب

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

با سن، آموزش از راه دور و تبادل اطلاعات مثبت و تشویق‌کننده به فعالیت‌های مفید، تقویت و در مرکز توجه قرار گیرد. به این ترتیب، کودکان در فضای دیجیتال به هر نوع محتوایی دست پیدا می‌کنند که ممکن است بسیاری از آن‌ها برایشان مضر تلقی شوند و آسیب‌هایی را به همراه داشته باشد که زندگی آن‌ها را مختل سازند و همچنین به اخلاقیات و حفظ شأن و کرامت انسانی لطمه بزند (۷).

محیط دیجیتال بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی کودکان محسوب می‌شود و استفاده مفرط از آن می‌تواند منجر به بروز مشکلات روانی و اجتماعی متعددی شود. احساس تنهایی، افسردگی و اضطراب، ازجمله پیامدهای منفی استفاده بی‌رویه از فضای مجازی هستند که خطر ابتلا به اختلالات روانی را افزایش می‌دهند. مقایسه مداوم خود با دیگر کودکان می‌تواند به کاهش اعتماد به نفس و احساس ناکافی‌بودن منجر شود و روابط بین‌فردی کودکان را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. این امر منجر به کاهش تعامل با همسالان و در نتیجه ضعف مهارت‌های اجتماعی و کاهش توانایی کودکان در برقراری ارتباط مؤثر در دنیای واقعی می‌شود. آزارهای سایبری و بهره‌کشی از کودکان در فضای دیجیتال نیز تأثیر عاطفی قابل توجهی بر روی آن‌ها دارد (۸) و می‌تواند ادراک‌های منفی ایجاد کند که پیامدهای عاطفی و روانی آن ویرانگر است و تجربه طیف وسیعی از احساسات منفی را موجب می‌شود. این تأثیرات معمولاً بر عملکرد تحصیلی و رشد شخصی کودکان در روابط اجتماعی اثرگذار است. پژوهشی در رابطه با تجربیات تروما در دوران کودکی و ارتباط آن با آزار سایبری و بهره‌کشی در محیط دیجیتال بر روی گروهی از کودکان در کشور چین، با در نظرگرفتن نقش اختلال در تنظیم هیجانی، نشان داد که شواهد تجربی قابل توجهی درباره تأثیرات منفی تجربیات تروما در دوران کودکی وجود دارد، به طوری که رابطه میان بهره‌کشی جنسی در فضای دیجیتال بالاترین ضریب را در میان انواع تروماهای دوران کودکی نشان داد (۸).

زندگی در قرن حاضر برای انسان‌ها مجموعه‌ای منحصر به فرد از تقاضاها و چالش‌های اخلاقی را به همراه دارد که بسیاری از آن‌ها نیازمند پاسخ سریع به تحولات در فضای آنلاین هستند. فعالیت‌های آنلاین به طور فزاینده‌ای در زندگی روزمره کودکان نفوذ می‌کنند و نشانه‌های زیادی وجود دارد که این فعالیت‌ها در آینده تشدید خواهند شد. محیط دیجیتال به فضایل سایبری و ایجاد یک نظام واحد واژگان اخلاقی نیاز دارد تا کودکان را در راستای دسترسی به فضایل انسانی و احترام هرچه بیشتر به اخلاقیات هدایت کند، زیرا استفاده گسترده از فناوری می‌تواند پیامدهای اخلاقی منفی بالقوه‌ای به همراه داشته باشد که باید به آن‌ها رسیدگی شود (۹) و تحت کنترل درآیند تا کودکان به محیطی عاری از انحرافات اخلاقی دسترسی پیدا کنند. از منظر اخلاقی، بهره‌کشی از کودکان در محیط دیجیتال نقض آشکار حقوق بشر است و به مجموعه‌ای از مسائل و چالش‌های اخلاقی و فرهنگی اشاره دارد که ناشی از سوءاستفاده از کودکان در فضای دیجیتال است. این مسائل اصول و ارزش‌های انسانی مرتبط با حفاظت از کودکان را دربر می‌گیرد (۱۰). این فضا به راحتی می‌تواند هویت و فرهنگ کودکان را از طریق تبلیغات نادرست و دروغین، نابود سازد و باعث بی‌هویتی و عدم شناخت صحیح از فرهنگ و اخلاقیات جامعه شود که در نهایت منجر به دوگانگی در شخصیت کودکان می‌گردد. ابعاد اخلاقی و فرهنگی بهره‌کشی از کودکان در فضای مجازی یک موضوع چندوجهی است که به راحتی مورد تعرض قرار می‌گیرد. لازم است در محیط دیجیتال، در مواجه با کودکان، اخلاقیات مورد توجه قرار گیرد و اصول اخلاقی چون نیکوکاری، عدم آسیب، خودمختاری، عدم تهدید، عدالت، عدم سوءاستفاده و احترام به عقاید زیر پا گذاشته نشود (۹).

در پی بهره‌کشی از کودکان در فضای مجازی، از جمله استفاده از تصاویر و اطلاعات شخصی آن‌ها، آزار و اذیت آنلاین، بهره‌کشی اقتصادی و جنسی و انتشار اطلاعات نادرست، نقض کرامت انسانی به عنوان یکی از چالش‌های جدی در عصر حاضر به شمار می‌آید. در این راستا، نیاز به حفاظت از حقوق بشر بیشتر از هر زمان دیگری احساس می‌شود تا مسائلی مانند کمبود قوانین، عدم نظارت صحیح و نابرابری‌های فناوری

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

به حفظ و ترویج حقوق بشر لطمه وارد نکنند و کرامت و شأن انسانی نقض نشود. همچنین رعایت حقوق بنیادینی همچون حریم خصوصی، دسترسی به اطلاعات و امنیت برای کودکان اهمیت ویژه‌ای دارد. با توجه با آسیب‌پذیری کودکان و توانایی کم آن‌ها برای تصمیم‌گیری‌های صحیح برای خود و وابستگی به خانواده نیز باعث می‌شود تا کرامت انسانی آن‌ها به راحتی مورد تعرض قرار گیرد (۱۱). بسیاری از مواقع، تربیت نادرست والدین و اعمال رفتارهای خشونت‌آمیز، موجب تعرض به حیثیت و کرامت انسانی کودکان می‌شود و این مسأله با خودنمایی‌ها در فضای مجازی قوت می‌گیرد. تأثیر استفاده از رسانه‌های اجتماعی و سوءاستفاده از طریق آن، به خصوص بهره‌کشی جنسی از کودکان، نیازمند رویکردی مؤثر جهت مقابله با نقض کرامت انسانی و نادیده‌گرفتن اخلاقیات است. سوءاستفاده از کرامت انسانی مبتنی بر پورنوگرافی نیازمند یک رویکرد جامع برای تقویت مقررات و نظارت بر محتوای حساس را به خود می‌طلبد و مسئولیت استفاده از از محیط دیجیتال را پررنگ‌تر می‌کند. کودکان در محیط دیجیتال بدون نظارت و محافظت، با تهدیدات جدی مواجه هستند که علاوه بر تأثیرات منفی بر سلامت روانی و عاطفی، به نقض حقوق اساسی و کرامت انسانی آن‌ها منجر می‌شود. نقض کرامت انسانی نه‌تنها به دلیل رفتارهای خشونت‌آمیز و غیر اخلاقی، بلکه به علت ساختارهای اجتماعی و فرهنگی متفاوت نیز بروز پیدا می‌کند. فرهنگ‌ها و جوامع مختلف به طور کلی نسبت به مسائل مربوط به حریم خصوصی دیدگاه‌های متفاوتی دارند و این تنوع در نگرش‌ها، باورها و عقاید می‌تواند به ایجاد فضایی نامناسب برای کودکان کمک کند که در آن حقوق و کرامت آن‌ها نادیده گرفته شود. در محیط دیجیتال که امروزه از هر سه کاربر فعال آن یک نفر کودک است، تهدیدات بسیاری برای کودکان در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان به چهار بخش عمده تقسیم کرد:

۱ـ خشونت از طریق بازی‌های رایانه‌ای: که روح و روان کودک را تهدید می‌کند؛

۲ـ فحشا و فساد: که به نوبه خود به افزایش بی‌بند و باری، پورنوگرافی و هرزه‌نگاری در کودکان منجر می‌شود؛

۳ـ استفاده از مواد مخدر و روان‌گردان‌ها و اعتیاد به فضای سایبری: ناشی از استفاده بیش از حد کودکان و نوجوانان؛

۴ـ کلاه‌برداری: ناشی از اعتماد بی‌پایه به کاربران فضای مجازی، به ویژه توسط کودکان (۱۲).

۲. حقوق کودکان در فضای سایبر و ارتباط آن‌ها با حق بر سلامت روان: حقوق کودکان در فضای مجازی، شامل مصادیق متعددی است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به: حق بر بازی، حق بر امنیت، حق بر آموزش و حق بر حریم خصوصی اشاره کرد. در این راستا، نسبت این حقوق با حق بر سلامت روان کودکان مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

حق بر بازی و تفریح از مهم‌ترین مؤلفه‌های زندگی کودکان محسوب می‌شود. کودکان با انجام انواع بازی‌ها، مهارت‌های لازم را برای شکل‌دادن به زندگی آینده خود را کسب می‌کنند. بنابراین بازی، تفریح و سرگرمی‌های مختلف از عوامل حیاتی رشد و شکوفایی استعدادهای کودکان به شمار می‌روند. «بازی از عوامل اصلی رشد و یادگیری کودکان است و تجربه استقلال فردی، مهارت‌های اجتماعی و لذت ماجراجویی و هیجان را در آن‌ها ارتقاء می‌دهد» (۱۳). حق بر بازی یکی از مصادیق مؤثر بر سلامت روان کودک در فضای مجازی است. با این حال، نمی‌توان کودکان را تنها به نظر به گسترش فضای مجازی و اینترنت و بازی‌های برخط رها کرد، به ویژه برخی از این بازی‌های بر خط بر پایه جنگ و خشونت و آموزش‌های ناصحیح است طراحی شده‌اند، زیرا این موضوع سلامت روانی کودکان را به مخاطره می‌اندازد و با آزادی آن‌ها در تعارض است. حق بر بازی‌کردن کودک در ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک مورد توجه قرار گرفته است که در زمینه‌های فرهنگی و هنری به عنوان زمینه‌ساز مؤثر برای بازی و سرگرمی کودکان اشاره شده است، بدین‌ترتیب، ضمن مد نظر قراردادن اهمیت ایجاد بستر مناسب برای تحقق حق بر بازی کودک در فضای مجازی، توجه به مخاطرات و آسیب‌های موجود در این فضا و حتی در فضای واقعی ضروری است. برای مثال، بازی می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند فرهنگ، تجارت، وضعیت اقتصادی و شرایط جسمی و روحی کودک و اجتماع

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

وی قرار گیرد که این عوامل به وضوح در فضای مجازی نیز نمود پیدا می‌کنند. بنابراین در زمینه تحقق حق بر بازی کودک، نه‌تنها باید به اتخاذ تدابیر ایجابی اقدام کرد، بلکه باید اقدامات پیشگیرانه، نظارتی و کنترلی نیز جهت کاهش مخاطرات محیط‌های مختلف، از جمله محیط مجازی، برای تحقق این حق کودک اتخاذ شود. به عنوان مثال، فضای مجازی نباید مانع از انجام فعالیت فیزیکی و حضوری کودک و ارتباط مستقیم او با خانواده و همسالانش شود و یا نباید محتواهای بر پایه اهداف تجاری بدون توجه به نیازهای کودک در سطح وسیع در دسترس آنان قرار گیرد. در مواد ۱۰۶ الی ۱۱۱ تفسیر عمومی شماره ۲۵ حقوق کودک، حق بر بازی به عنوان یکی از حقوق ناشی از حق کودک بر انجام فعالیت‌های تفریحی و اوقات فراغت مطرح شده است. در این مواد، فضای مجازی به عنوان بستری که قابلیت معرفی و ارائه فرصت‌های مختلف برای تحقق این حق را دارد، حائز اهمیت شمرده می‌شود، اما در عین حال، با توجه به رابطه نزدیک و غیر قابل انکار اثر فعالیت‌های تجاری بر محتوای اطلاعات مجازی، به دولت‌های عضو توصیه شده که باید امنیت و سلامت فضای مجازی را در تولید محتواهای سرگرم‌کننده برای کودکان حفظ کنند (۱۴).

آموزش شکلی از یادگیری است که در آن هر آنچه قابل آموختن است، از نسلی به نسل دیگر یا از گروهی به گروه دیگر منتقل می‌شود. حق بر آموزش بسترساز تحقق سایر حقوق بشری است، زیرا به واسطه آموزش، افراد می‌آموزند چگونه از حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود بهره‌مند شوند و در زندگی اجتماعی مشارکت کنند. به همین دلیل، اعلامیه ۱۹۹۰ یونسکو به طور خاص به این موضوع پرداخته و بیان کرده است: «آموزش در چهارچوب استانداردهای جهانی می‌تواند ابزار لازم برای مشارکت مردم را فراهم آورد.» علاوه بر این، در اسناد مختلف حقوق بشری، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به لزوم دسترسی برابر به آموزش به عنوان حقی از حقوق بشر اشاره شده است (۱۵). امروزه بخش عمده‌ای از آموزش‌های رسمی و غیر رسمی مؤسسات آموزشی از طریق اینترنت و فضای مجازی برای کودکان و نوجوانان ارائه می‌شود. کنوانسیون حقوق کودک شامل نکات ارزشمندی در حوزه تعلیمی، تربیتی و سلامت روان کودک می‌باشد به گونه‌ای که در مقدمه کنوانسیون به مراقبت‌های دوران کودکی توجه ویژه شده است. در ماده ۳ کنوانسیون، منافع و مصالح کودک در دوران کودکی در نظر گرفته شده است. در سال ۲۰۰۳، در پنجمین تفسیر عمومی کمیته حقوق کودک، منافع و مصالح کودکان در بند ۱۲ به طور گسترده‌ای تفسیر شد. این اصل مقتضی اقدامات مؤثر دولت، مجلس و قوه قضاییه است. هر نهاد یا مؤسسه قانونگذاری، اجرایی و قضایی باید به طور نظام‌مند بررسی کند که چگونه منافع عالیه کودک تحت تأثیر تصمیمات یا مصوبات آنان قرار می‌گیرد و یا در آینده چه تأثیری بر آنان خواهد داشت؟ من‌جمله تصمیمات یا مقرراتی که به طور مستقیم به کودکان مربوط نیست، بلکه غیر مستقیم بر آنان تأثیرگذار است. بنابراین اصل رعایت منافع و مصالح کودکان به عنوان یک اصل بنیادین در حقوق کودک مطرح است و حق بر آموزش کودک به عنوان یکی از مصادیق مهم این حقوق به شمار می‌آید، بدین‌ترتیب دولت‌ها و افراد نباید با کنش‌های خود این حق را نادیده بگیرند یا اقداماتی در تعارض با آن انجام دهند که سلامت روانی و جسمی کودک را تحت‌الشعاع قرار دهد (۱۶). تفسیر عمومی ۲۵ کمیته حقوق کودک نیز در مواد ۹۹ الی ۱۰۵ به صورت صریح به اهمیت حفظ حق آموزش کودکان در ارتباط با فضای مجازی پرداخته است. در این راستا، معین شده است که دولت‌های عضو و سایر نهادها و افراد دخیل در امر آموزش موظف به تأمین وسایل و ابزارهای لازم و ایجاد زمینه‌های مورد نیاز جهت تحقق حق بر آموزش سالم همراه با امکان دسترسی به منابع و اطلاعات مختلف هستند، بدین‌ترتیب کمیته در نظر تفسیری شماره ۲۵ خود بیان کرده است که فضای مجازی به عنوان بستر برقراری ارتباط و دسترسی به اطلاعات مختلف می‌تواند به عنوان ابزاری جهت تحقق حق بر آموزش کودکان تلقی شود، لذا دولت‌های عضو مکلف‌اند تا زمینه دسترسی مناسب و برابر

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

برای تمام کودکان جامعه به فضای مجازی در ابعاد مختلف را فراهم آورند و از آنان در برابر مخاطرات بالقوه حمایت به عمل آورند (۱۷).

امنیت در معنای حقوقی به معنای فقدان خطر نسبت به جان، مال، عرض و حقوق آحاد مردم در جامعه می‌باشد. امنیت یکی از مؤلفه‌های اصلی حق بر سلامت کودک در بستر فضای مجازی به شمار می‌آید. یکی از مهم‌ترین موارد تهدیدکننده امنیت کودکان در فضای مجازی، قرارگرفتن آن‌ها در معرض خشونت‌های مجازی می‌باشد که این امر نه‌تنها سلامت روان آن‌ها را به شدت تهدید می‌کند، بلکه امکان بهره‌مندی آن‌ها از این فضا را نیز محدود می‌سازد. کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۳۴ در خصوص حمایت از کودکان در مقابل پدیده هرزه‌نگاری و پورنوگرافی و استثمار جنسی، کشورهای عضو را مکلف به حمایت و انجام اقداماتی در سطح ملی و بین‌المللی دانسته است و در ماده ۱۹، حکومت‌ها را ملزم کرده است تا با به کارگیری تمام توانایی‌ها و امکانات، برای حمایت کودکان از سوءاستفاده‌های جنسی، ذهنی و جسمی که در قبال رفتارهای سهل‌گیرانه و عدم مدیریت ایجاد شده است، حمایت کنند (۱۸). همچنین در ماده ۳۲، نیز به ممنوعیت استثمار و بهره‌کشی از کودکان تأکید شده است که نشان‌دهنده اهمیت حمایت از کودکان در چنین مواردی است تا سلامت جسم و روان کودکان به مخاطره نیافتد (۱۹)، اما بیشترین مخاطرات متوجه دختران است، اگرچه پسران نیز از این مخاطرات در امان نیستند.

حریم خصوصی کودکان زمانی در معرض تهدید قرار می‌گیرد که اطلاعات شخصی آن‌ها از طریق اینترنت به صورت خودکار یا از طریق نرم‌افزارهای جاسوسی جمع‌آوری شود یا خود کودکان به صورت داوطلبانه این اطلاعات را در اختیار سایت‌ها یا افراد دیگر قرار دهند (۲۰). این اطلاعات می‌تواند شامل طیف متنوعی از داده‌های رایانه‌ای باشد. انتشار چنین اطلاعاتی، از جمله انتشار عکس‌ها و فیلم‌های خصوصی کودکان، گاهی می‌تواند آنچنان تأثیرات مخربی بر روح و روان آن‌ها وارد آورد که جبران خسارات وارده ممکن نباشد. در ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک درباره حق بر حریم خصوصی و حفظ آن چنین آمده است: «۱ـ در امور خصوصی، خانوادگی یا مکاتبات هیچ کودکی نمی‌توان دلخواه یا غیر قانونی دخالت کرد یا هتک حرمت نمود؛ ۲ـ کودک در برابر این‌گونه دخالت‌ها و یا هتک حرمت‌ها مورد حمایت قانون قرار دارد» (۲۱). با توجه به این ماده، دو فرض قابل تصور است: فرض اول، دخالت والدین به طور خودسرانه در امور شخصی کودکشان است. در این فرض، قوانین در اکثر دولت‌ها نمی‌توانند به طور کامل از حریم خصوصی کودکان در برابر والدین و دیگر اعضای خانواده حمایت کنند؛ فرض دوم، دخالت غیر قانونی و مغرضانه اشخاص دیگر (چه در فضای حقیقی چه در فضای مجازی) در امور خصوصی کودک است که در این صورت، دولت باید اقداماتی در زمینه ایجاد سازوکارهای مناسب، فرهنگ‌سازی و آموزش به کودک و والدین انجام دهد (۲۲). نظر تفسیری شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک نیز در مواد ۶۷ الی ۷۸ به بررسی اهمیت حفظ این حق برای کودکان، به ویژه در تعامل با فضای مجازی پرداخته است. در این مواد، کمیته تصریح کرده است که حق کودک بـــر حفظ حریم شخصی خود، حقی اساسی برای حفظ کرامت، حیثیت و آزادی او است. این حق نباید توسط تجار و دیگر عاملان تولید محتوا در فضای مجازی سلب شود. همچنین دولت‌ها و خانواده‌ها نیز بدون کسب رضایت کودک، مگر در شرایط بسیار ضروری، حق مداخله و نقض این حق کودک را به واسطه انجام فعالیت‌هایی نظیر بررسی اطلاعات آنان و دیگر داده‌ها ندارند، به همین‌ترتیب، عاملان تولید محتوا و خدمات در فضای مجازی نیز نباید اقدام به نقض این حق کودک به واسطه پردازش پنهانی اطلاعات آنان کنند (۲۳).

شاید بتوان راهکارهای مختلفی در حمایت از حقوق کودکان در محیط دیجیتال ارائه کرد، اما به نظر می‌رسد آموزش کودکان، نظارت بر فعالیت‌های آن‌ها و لزوم قانونگذاری، مهم‌ترین راهکارها در این زمینه باشند. اگر کودک در استفاده از فضای مجازی آموزش لازم را دریافت کند، در عین حال نوعی نظارت بر فعالیت و حضور وی در فضای سایبر وجود داشته باشد، همچنین قوانین مناسب و کارآمد نیز تدوین گردد، شرایط مساعدی برای تحقق هرچه بیشتر حقوق

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

کودکان در فضای مجازی فراهم خواهد شد. برای مراقبت و همراهی کودکان و نوجوانان در فضای مجازی و بستر نامحدود اینترنت، می‌توان از روش‌های مختلف و متفاوتی استفاده کرد، البته تمامی این راهکارها باید در سایه ایجاد نگرش صحیح و ارتقای فرهنگ اجتماعی در پذیرش و استفاده از تکنولوژی باشد.

آموزش کودکان در فضای مجازی، مهم‌ترین و ابتدایی‌ترین راهکار است. این آموزش می‌تواند به تکامل و رشد کودکان کمک کند. علاوه بر این، آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی صحیح به والدین در خصوص استفاده کودکان از اینترنت در منزل و آماده‌سازی آنان برای مواجهه به موقع و اصولی با چالش‌های مرتبط بسیار اهمیت دارد، زیرا استفاده مناسب و به جا از تکنولوژی در زندگی بشر امروز نوعی امتیاز به شمار می‌رود. به عنوان مثال، محیطی مجازی مانند متاورس، در کنار تأثیرات مخرب و منفی، می‌تواند فضایی عالی برای کاوش، یادگیری و ارتقای سطح مهارت‌های اجتماعی و فردی کودکان باشد (۲۴). الگودهی مناسب والدین به کودکان یکی از مهم‌ترین راهکارها در این راستاست. اگر والدین به طور مداوم درگیر گوشی و فضای مجازی باشند، نباید انتظار داشت که فرزندان ابزار دیجیتال خود را به راحتی کنار بگذارند. برای مثال، وقتی کتاب‌خواندن در سبد نیازهای روزانه خانواده قرار گیرد و والدین خود عادت به ورزش و فعالیت‌های فیزیکی مفید داشته باشند و به جای گردش‌های بی‌هدف و وقت‌گیر در فضای مجازی، بخشی از فعالیت‌های روزانه خود را به انجام کارهای مفید فردی یا گروهی اختصاص دهند، کودک نیز خیلی زود با تأثیرپذیری و الگوبرداری، به جای توجه صرف و مطلق به محیط دیجیتال این‌گونه کارها و فعالیت‌ها را به عنوان عادتی ضروری در زندگی خود احساس می‌کند و به کار می‌گیرد. خط مشی مربوط به تکنولوژی، ارتباطات و اطلاعات در مدارس نیز می‌تواند به عنوان یک ابزار مؤثر عمل کند، به طوری که آموزگاران با سواد دیجیتال کافی در کنار کودکان باشند و از تکنولوژی در آموزش بهره‌مند شوند. همچنین این آموزگاران باید نیرویی نظارتی و همراه باشند تا از خطرات احتمالی ناشی از استفاده از جریان آزاد اطلاعات و اینترنت آگاه شوند (۲۵).

آنچه در تربیت کودک اهمیت دارد، نظارت بر ارتباطات اوست، اگرچه نظارت و کنترل در محیط خانواده ممکن است ساده به نظر برسد، اما این امر در محیط دیجیتال با پیچیدگی‌هایی همراه است. با وجود فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در جامعه امروز و همچنین محو مرزها و ادغام فرهنگ‌ها، تربیت کودکان به امری خطیرتر از گذشته تبدیل شده است (۲۶) و تا حدی آموزش و پرورش کودکان را از دست والدین خارج کرده است. در این میان، نظارت صحیح و اصولی یکی از مهم‌ترین راهکارها برای حفظ امنیت کودکان در محیط دیجیتال است. آنچه در ادامه ذکر می‌شود، تنها پیشنهاداتی برای کاربرد درست ابزار دیجیتال در خانواده است. والدین باید در انتشار تصاویر فرزندان خود محتاط بوده و این حس احتیاط را به کودک نیز منتقل کنند. به عنوان مثال، آن‌ها باید قبل از انتشار عکس یا ویدیویی از کودک، به این نکته توجه کنند که آیا کودک از دیدن آن عکس یا فیلم آزرده خاطر می‌شود یا خیر؟ اگر پاسخ منفی است، بهتر است آن تصویر منتشر نشود (۲۷).

والدین می‌توانند با تغییر تنظیمات در شبکه‌های اجتماعی، از انتشار عمومی عکس‌های کودکان خود جلوگیری کنند و این تصاویر را تنها با گروه کوچکی از نزدیکان مورد اعتماد به اشتراک بگذارند. این اقدام باعث می‌شود حس حفظ حریم شخصی کودک نیز تقویت شود. همچنین باید مراقبت‌های امنیتی را جدی گرفت و هنگام انتشار تصاویر کودک، مانند عکس‌هایی که در مهدکودک یا مؤسسات آموزشی و تفریحی گرفته می‌شوند، از ذکر آدرس یا نام مکان پرهیز کرد تا نشانه‌ای از محل زندگی کودک به بینندگان عکس‌ها ندهد؛ این کار می‌تواند خطرات احتمالی را کاهش دهد. برخی اپلیکیشن‌ها و برنامه‌های رایانه‌ای به طور خودکار محل جغرافیایی عکس را ثبت می‌کنند و والدین می‌توانند در این موارد گزینه لوکیشن را غیر فعال نمایند (۲۸).

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

موضوع مهم دیگر این است که انتشار عکس‌های عریان از کودکان به هیچ وجه قابل قبول نیست. والدین باید به طور جدی، گرفتن عکس در مکان‌هایی مانند ساحل، توالت و حمام را برای کودک خود ممنوع کنند و به این فکر کنند که ممکن است این تصاویر در دست افراد ناپسند مانند پدوفیل‌ها بیفتد و چه مخاطراتی برای کودک به وجود آورد.

همچنین والدین می‌توانند از انتشار هیچ عکس تمام‌رخ از کودک خود خودداری کنند تا شناسایی توسط نرم‌افزار ممکن نشود. این توصیه به ویژه برای کسانی که ممکن است هدف طمع قرار بگیرند، نظیر تاجران ثروتمند یا هر فردی که نسبت به فرزندش حساس است، بسیار مهم است.

بهتر است فرهنگی شکل بگیرد که از کودکان بالای دو سال برای ارسال عکس‌هایشان، حتی به پدربزرگ و مادربزرگ اجازه گرفته شود. این کار نه‌تنها احترام به حریم خصوصی را به کودک می‌آموزد، بلکه احساس ارزشمندی و مورد توجه قرارگرفتن را نیز برای او به ارمغان می‌آورد.

از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها و نهادهای اجتماعی و فرهنگی، توجه به مشکلات کودکان و پیش‌بینی آسیب‌های احتمالی است. در واقع، اگر موانع و محدودیت‌های حقوقی و اجتماعی توسط سیاستگذاران و نهادهای ذی‌ربط برطرف شوند و نقاط ضعف و چالش‌های قانونی بررسی و مورد توجه قرار گیرند، سایر ارکان جامعه نیز می‌توانند در صیانت از حقوق کودکان در این فضا به خوبی عمل کنند. به طور کلی، در بسیاری از موارد، عدم هماهنگی و کاستی در زمینه‌های مختلف جامعه، مغایرت‌های قانونی، نبود ضمانت اجرای کافی و عدم فرهنگ‌سازی درست در زمینه حقوق شهروندی و حقوق کودکان، منجر به نقض این حقوق می‌شود.

در کنار آموزش و قانونگذاری برای کودکان و خانواده‌ها در استفاده از ابزار تکنولوژیک، حمایت و محافظت از کودکانی که به نوعی در این محیط دچار آسیب شده‌اند نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تصویب قوانین و مقررات جامع و مؤثر در زمینه جرائم رایانه‌ای و آیین دادرسی مرتبط با این جرائم، می‌تواند به حمایت از کودکان و نوجوانانی که به واسطه حضور یا استفاده از محیط دیجیتال دچار آسیب شده‌اند، کمک کند. این قوانین می‌توانند در جلوگیری از تکرار جرائم مؤثر باشند و به طور عملی از آسیب‌دیدگان حمایت کنند. همچنین با توجه به سرعت تغییرات در محیط دیجیتال و پیدایش عرصه‌های مختلف و متنوع در امکانات تکنولوژیک جامعه، ضروری است که قوانین و مقررات فضای سایبری فعلی با توجه به تغییرات جدید به روزرسانی شوند تا بتوانند به طور کامل و کافی از بزه‌دیدگان جرائم سایبری حمایت کنند.

دسترسی به عدالت و جبران خسارت برای کودکان، یکی از حقوق اساسی بشر است که در سطح حقوق داخلی بسیاری از کشورها و همچنین در سطح بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است، اگرچه اصل دسترسی به دادگستری دارای سه شاخص بنیادین (دسترسی آسان، شامل دسترسی به قواعد دادرسی و دسترسی عینی به سیستم قضایی؛ دسترسی سریع که مبتنی بر اقتصاد دیجیتال و فناوری اطلاعات و ارتباطات و معطوف به عدالت الکترونیکی؛ و دسترسی ارزان، ناظر بر موازنه کلان در هزینه‌های تمام‌شده دعاوی) است، اما حق کودکان بر دسترسی به عدالت، نویدبخش حمایت‌های افتراقیِ ویژه‌ای نسبت به شاخص‌های عمومیِ پیش‌گفته درباره دسترسی به عدالت [رسمی ـ قضایی] است. رهاورد عدالت قضایی برای کودکانِ معارض با قوانین کیفری همواره بر خوانش سیاست جنایی رسمی از مصالح عالیه کودک استوار است (۲۹) که حفظ و حمایت از حق محاکمه عادلانه و حق مشارکت مؤثر در دادرسی را در سطح سیاست جنایی قضایی پی می‌جوید و نیازمند همسویی با همین خوانش حقوق بشری در سطوح سیاست جنایی تقنینی، اجرایی و مشارکتی نیز هست. دستاورد اتکای عدالت جنایی رسمی بر حقوق بشر افتراقی ـ حمایتیِ کودکان، روی‌آوریِ فزاینده نظام‌های حقوقی داخلی اغلب کشورها به «فردی‌سازی پاسخ‌های عدالت قضایی» به عنوان یک اصل فراگیر/ عمومی در چهارچوب گذار از سزاگرایی به بازپروری، جبران و عدالت ترمیمی است. تداوم سیاست جناییِ ناافتراقی بر ساختار و بافتار مراجع قضایی، به تشدید وخامت بزه‌دیدگیِ کودکانِ ظاهرشده در قامتِ بزهکار منجر می‌شود و میوه تلخ بزه‌دیدگیِ ثانویه بر کودکانِ بزه‌دیده از درخت دادرسی کیفری به بار می‌نشیند.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

پس از این مقدمه نظری، نوبت به پرداختن به این رویداد مهم در عرصه حقوق بین‌المللِ کودک می‌رسد که پیش‌نویس نظریه عمومی شماره ۲۷ کمیته حقوق کودک سازمان ملل، به طور خاص به این موضوع پرداخته و بر اهمیت ایجاد سازوکارهای قانونی و اجتماعی برای حمایت از کودکان در فرآیندهای قضایی تأکید می‌کند. این پیش‌نویس به طور خاص به موضوعات زیر پرداخته است.

۱ـ تعریف عدالت و جبران خسارت در زمینه حقوق کودکان؛ ۲ـ تأکید بر نقش نهادهای دولتی و غیر دولتی در حمایت از کودکان؛ ۳ـ ضرورت ایجاد مکانیسم‌های قضایی مناسب برای پاسخگویی به نیازهای کودکان. در جامعه امروز، کودکان به عنوان گروهی آسیب‌پذیر، نیازمند حمایت‌های ویژه‌ای در برابر نقض حقوق خود هستند. این نیاز به ویژه در مواقعی که حقوق کودکان به شکل قابل توجهی نقض می‌شود، نمود بیشتری پیدا می‌کند. کمیته حقوق کودک سازمان ملل با انتشار پیش‌نویس نظریه عمومی شماره ۲۷، به دنبال تبیین و ارتقای حق کودکان در دسترسی به عدالت و جبران خسارت است. این مقاله بر آن است تا با تحلیل دقیق ابعاد مختلف این حق، چالش‌های موجود و راهکارهای علمی و عملی برای بهبود وضعیت کودکان ارائه دهد (۳۰).

کنوانسیون حقوق کودک، که در سال ۱۹۸۹ به تصویب رسید، به عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه حقوق کودک، بر حق کودکان در دسترسی به عدالت تأکید دارد. این کنوانسیون در ماده ۱۲ به کودکان این حق را می‌دهد که در کلیه مسائل مربوط به خود نظر دهند و در فرآیندهای قضایی مشارکت داشته باشند. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) که در سال ۱۹۶۶ به تصویب رسید، نیز بر حق دسترسی به عدالت تأکید دارد. ماده ۱۴ این میثاق به هر فرد حق می‌دهد که به یک دادگاه مستقل و بی‌طرف دسترسی داشته باشد که شامل کودکان نیز می‌شود. علاوه برکنوانسیون حقوق کودک و میثاق CRC و ICCPR، اسنادی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر و (CEDAW) کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان نیز بر حق دسترسی به عدالت تأکید دارند. این اسناد به عنوان اصول راهنما، درک جامع‌تری از حقوق کودکان و لزوم حفاظت از آن‌ها در برابر نقض حقوق فراهم می‌کنند. سیستم‌های قضایی می‌بایست به گونه‌ای طراحی شوند که نیازهای خاص کودکان را در نظر بگیرند. این نیازها شامل موارد زیر است:

۱ـ فراهم‌سازی محیطی امن و خصوصی: کودکان باید بتوانند در محیطی راحت و امن شهادت دهند. این محیط باید به گونه‌ای طراحی شود که احساس امنیت و آرامش را برای آن‌ها به ارمغان آورد.

۲ـ استفاده از زبان ساده و قابل فهم: کارکنان قضایی می‌بایست بتوانند با کودکان به زبانی ساده و قابل فهم صحبت کنند تا آن‌ها بتوانند نظرات و احساسات خود را بیان کنند.

۳ـ حضور مشاوران کودک: حضور مشاوران و روان‌شناسان کودک در مراحل قضایی می‌تواند به کاهش استرس و فشار روانی کودکان کمک کند و آن‌ها را در فرایند قضایی حمایت کند.

جبران خسارت به معنای ترمیم آسیب‌های وارده به کودکان است. کمیته حقوق کودک بر لزوم جبران خسارت‌های مالی، درمانی و اجتماعی برای کودکان تأکید می‌کند. جبران خسارت باید به گونه‌ای طراحی شود که نه‌تنها آسیب‌ها را جبران کند، بلکه به بازسازی هویت و سلامت روانی کودک نیز کمک کند. این امر مستلزم ایجاد برنامه‌های درمانی، آموزشی و اجتماعی برای کودکان آسیب‌دیده است.

چالش‌های موجود در دسترسی به عدالت برای کودکان عبارتند از:

۱ـ نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی: نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی می‌توانند به طور مستقیم بر دسترسی کودکان به عدالت تأثیر بگذارند. در بسیاری از کشورها، کودکان از خانواده‌های کم‌درآمد به دلیل نداشتن منابع مالی کافی قادر به دسترسی به خدمات حقوقی و قضایی نیستند. این مشکل نیازمند توجه ویژه سیاستگذاران و تأسیس سیستم‌های حمایتی برای اقشار آسیب‌پذیر است؛

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

۲ـ فقدان آموزش و آگاهی: عدم آگاهی والدین و کودکان از حقوق خود و نیز فقدان آموزش‌های لازم برای کارکنان قضایی درباره نیازهای کودکان، از دیگر چالش‌های موجود در این زمینه است. ایجاد برنامه‌های آموزشی برای خانواده‌ها و کارکنان قضایی می‌تواند به ارتقای آگاهی و توانمندی در این زمینه کمک کند؛

۳ـ عدم هماهنگی بین نهادهای مرتبط: عدم هماهنگی بین نهادهای قضایی، اجتماعی و درمانی می‌تواند به ایجاد مشکلاتی در ارائه خدمات مؤثر به کودکان منجر شود. این عدم هماهنگی می‌تواند باعث عدم شفافیت و کارآمدی در روندهای قضایی گردد.

سوئد به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در زمینه حمایت از حقوق کودک، سیستم قضایی مخصوص کودکان را ایجاد کرده است. این سیستم با حضور مشاوران کودک و روان‌شناسان در کنار قضات، دسترسی کودکان به عدالت را تسهیل می‌کند. سوئد همچنین برنامه‌های جبرانی برای کودکان آسیب‌دیده ارائه می‌دهد که شامل خدمات درمانی و آموزشی است. دولت نیوزلند نیز با پیاده‌سازی برنامه‌های جامع برای جبران خسارت به کودکان، به ویژه در موارد نقض حقوق، نمونه‌ای موفق در این زمینه به شمار می‌رود. این کشور به کودکان آسیب‌دیده خدمات درمانی، آموزشی و روانی ارائه می‌دهد و فرآیندهای قضایی را برای آنان تسهیل کرده است. کانادا با تأسیس سیستم‌های قضایی مختص کودکان، تلاش کرده تا نیازهای خاص آنان را در نظر بگیرد. این کشور برنامه‌هایی برای آموزش کارکنان قضایی و مشاوران کودک اجرا کرده و به طور مستمر بر اساس نظرات و پیشنهادات کودکان، فرآیندهای قضایی خود را بهبود بخشیده است. در پیش‌نویس نظریه عمومی شماره ۲۷ کمیته حقوق کودک جهت تحقق حق دسترسی به عدالت و جبران خسارت برای کودکان، پیشنهادهای زیر مطرح گردیده است (۳۱):

۱ـ طراحی سیستم‌های قضایی حساس به کودکان: کشورهای مختلف می‌بایست سیستم‌های قضایی خود را به گونه‌ای طراحی کنند که نیازهای خاص کودکان را در نظر بگیرند. این شامل ایجاد فرآیندهای جداگانه برای رسیدگی به پرونده‌های کودکانه و استفاده از مشاوران کودک در این فرآیندها است؛

۲ـ آموزش و آگاهی: برنامه‌های آموزشی برای والدین، کودکان و کارکنان قضایی باید به صورت مستمر اجرا شود تا آگاهی درباره حقوق کودکان افزایش یابد و مهارت‌های لازم برای تعامل با سیستم قضایی تقویت شود؛

۳ـ حمایت‌های مالی و اجتماعی: دولت‌ها باید از طریق برنامه‌های حمایتی به کودکان و خانواده‌های کم‌درآمد کمک کنند تا دسترسی به خدمات حقوقی و درمانی را تسهیل شود؛

۴ـ گزارش‌دهی و نظارت: ایجاد سیستم‌های گزارش‌دهی مستقل و نظارت بر عملکرد سیستم‌های قضایی و جبرانی می‌تواند به شفافیت و مسئولیت‌پذیری کمک کند؛

۵ـ توسعه مشارکت‌های میان نهادهای مرتبط: همکاری میان نهادهای قضایی، اجتماعی و درمانی برای ارائه خدمات مؤثر و هماهنگ به کودکان ضرورت دارد. این امر می‌تواند با ایجاد کمیته‌های مشترک و شبکه‌های حمایتی تحقق یابد.

دسترسی به عدالت و جبران خسارت برای کودکان نه‌تنها یک حق انسانی، بلکه یک ضرورت اجتماعی است. پیش‌نویس نظریه عمومی شماره ۲۷ کمیته حقوق کودک سازمان ملل با تأکید بر این ضرورت، به دنبال ایجاد یک چهارچوب جامع برای حمایت از کودکان در برابر نقض حقوقشان است. برای تحقق این هدف، لازم است کشورها به ایجاد سیستم‌های قضایی حساس به نیازهای کودکان، افزایش آگاهی عمومی و آموزشی و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی بپردازند. دسترسی به عدالت و جبران خسارت برای کودکان یک موضوع حیاتی و اساسی در حقوق بشر است. پیش‌نویس نظریه عمومی شماره ۲۷ کمیته حقوق کودک می‌تواند به عنوان ابزاری مهم در تحقق این هدف عمل کند. با توجه به چالش‌های موجود، دولت‌ها باید اقدامات مؤثری را برای افزایش آگاهی حقوقی کودکان و خانواده‌های آنان، ایجاد ساختارهای قضایی مناسب و اجرای برنامه‌های آموزشی در این زمینه انجام دهند. بنابراین نه‌تنها دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق کودک، بلکه تمامی دولت‌ها ـ با توجه به آمره و عام‌الشمول‌بودن تعهدات حقوق بشریِ مرتبط با حقوق کودکان ـ متعهد به نظارت

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

مستقل، ترویج اطلاعات، آگاهی‌بخشی و آموزش، مشورت با جامعه مدنی و ارائه بالاترین سطح دسترسیِ ممکن به عدالت قضایی برای کودکان هستند. درک اهمیت این تعهد، به ویژه در فضای مجازی که بستر ارتکاب بسیاری از جرائم سازمان‌یافته نظیر قاچاق انسان و اعضای بدن انسان، اَشکال خشونت سخت و نرم جنسی، آدم‌ربایی و گردشگری جنسی سایبری است. به رغم تلاش نهادهای ملی و بین‌المللی در تدوین و اجرای قوانین ضد قاچاق انسان، عواملی همچون مشارکت برخی دولت‌های محلی و نیروهای پلیس در شبکه‌های قاچاق جنسی، مراحل پیچیده و غیر قابل ردیابی و انجام معاملات رمزنگاری‌شده در بازارهای دارک‌وب، پیگیری و مبارزه در این حوزه را بسیار دشوار ساخته است. طعمه‌گذارهای اینترنتی (ترول‌ها) نمونه‌ای از یک خرده‌فرهنگ آنلاین هستند که در ارسال مطالب ناراحت‌کننده یا تکان‌دهنده، آزار و اذیت کاربران و انتشار اطلاعات نادرست شرکت می‌کنند و نرخ بالای بزه‌دیدگی و بزهکاریِ کودکان در این فضا، ناباورانه و کم پژوهیده است. این موارد تنها نمودهای کوچکی از گونه‌های هزاررنگِ جرائم سایبری علیه کودکان هستند که گاهی در حقوق کیفری ایران و کشورهای دیگر، جرم‌انگاری نشده و حتی در اسناد بین‌المللی نیز مورد هشدار و توصیه به جرم‌انگاری توصیه نشده است.

دستورالعمل کلینیک‌های حقوق کودک، به استناد تبصره ۲ ماده ۵۰ آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (مصوب سی‌امین جلسه شورای هماهنگی مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۴۰۰)، ظرفیت چشم‌گیری در ارتقای سیاست جنایی مشارکتی ایران در حق کودکان برای دسترسی به عدالت و جبران خسارت مؤثر از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) و این کلینیک‌ها دارد. علاوه بر این، طرح پارلمانی صیانت از فضای مجازی (۱۴۰۰ ش.)، سند صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی (۱۴۰۰ ش.)، طرح قانون حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی (۱۴۰۰ ش.)، بخش‌های اول و دوم سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی (شورای عالی فضای مجازی، ۱۴۰۰ ش.)، طرح کلان و معماری شبکه ملی اطلاعات (شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۹ ش.)، الزامات پیشگیری و مقابله با نشر اطلاعات، اخبار و محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی (شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۹ ش.)، دستورالعمل ساماندهی بات‌ها/ ربات‌ها در فضای مجازی (شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۸ ش.)، سند تحول حوزه‌های فرهنگ و آموزش با توجه به تحولات فضای مجازی (شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۹۸ ش.)، لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت (۱۳۹۸ ش.)، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (۱۴۰۰ ش.)، سند ملی حقوق کودک و نوجوان (۱۴۰۰ ش.)، مصوبه شورای عالی فضای مجازی در خصوص صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی (۱۴۰۰ ش.)، اساسنامه سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک (۱۴۰۰ ش.)، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹ ش.)، سند تدوین تحول حوزه‌های فرهنگ و آموزش با توجه به تحولات فضای مجازی (۱۳۹۸ ش.)، مصوبه شورای عالی فضای مجازی با عنوان «سند تبیین الزامات شبکه ملی اطلاعات» (۱۳۹۶ ش.)، مصوبه شورای عالی فضای مجازی با عنوان «سیاست‌ها و اقدامات ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی» (مصوب ۱۳۹۶ ش.)، مصوبه شورای عالی فضای مجازی با عنوان «سیاست‌های حاکم بر برنامه ملی بازی‌های رایانه‌ای» (۱۳۹۴ ش.)، همگی ظرفیت مستقیم و غیر مستقیمِ ارزنده‌ای در ارتقای سطح دسترسی کودکان در ایران به عدالت قضایی و جبران خسارت دارند و اهداف پیش‌نویس نظر عمومی شماره ۲۷ کمیته حقوق کودک سازمان ملل را تا حد قابل توجهی تأمین می‌کنند، به شرط طراحی و اجرا و پایش سامانه حقوقی منسجمی برای ارتقای حقوق کودکان در ایران (۳۲).

نتیجه‌گیری

در عصر سلطه فناوری‌های نوین ارتباطی و گسترش بی‌سابقه فضای دیجیتال، حمایت از حقوق بنیادین کودکان، به ویژه حق بر سلامت و کرامت انسانی آنان، ضرورتی غیر قابل

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

اغماض در نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی است. کودکان امروز نه صرفاً کاربران منفعل، بلکه شهروندان فعال و در عین حال آسیب‌پذیر این زیست‌بوم مجازی‌اند؛ زیست‌بومی که فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای یادگیری، خلاقیت و تعامل اجتماعی فراهم می‌آورد، اما در عین حال، مخاطرات پیچیده‌ای نیز برای رشد جسمی، روانی، شخصیتی و اخلاقی آنان به همراه دارد. در چنین شرایطی، نظریه «حق بر جبران خسارت مؤثر» به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول مترقی در حمایت از قربانیان نقض حقوق بشر و حقوق کودک، در فضای دیجیتال واجد اهمیت مضاعف است. این نظریه که در پیش‌نویس نظر عمومی شماره ۲۷ کمیته حقوق کودک نیز انعکاس یافته است، دولت‌ها را ملزم می‌سازد تا با اتخاذ تدابیر مؤثر، نظام‌مند و سازوکارهای اجرایی مناسب، امکان شناسایی، ثبت، پیگیری و جبران خسارات وارده به کودکان را در محیط آنلاین فراهم آورند. جبران خسارت در این بستر نه‌تنها شامل جبران مادی، بلکه به ویژه جبران معنوی، توان‌بخشی روانی و بازگرداندن کرامت آسیب‌دیدگان کودک نیز هست؛ امری که تنها با رویکردی جامع، اخلاق‌مدار و کرامت‌محور ممکن خواهد بود. مبنای نظری این حق، مبتنی بر اصول بنیادین حقوق بشر، از جمله اصل کرامت انسانی، اصل عدم تبعیض، اصل رعایت مصالح عالیه کودک و اصل حق بر شنیده‌شدن صدای کودک است که همگی در اسناد الزام‌آور و راهنمای بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹ م.) و نظریه‌های تفسیری وابسته به آن مورد تأکید قرار گرفته‌اند. تحقق عملی این حق در فضای مجازی، نیازمند اراده سیاسی، پیش‌بینی نهادهای مستقل حمایتگر، وضع قوانین شفاف، توسعه ظرفیت‌های نظارتی، ارتقای سواد دیجیتال و به ویژه ایجاد نظام کارآمد پاسخگویی و جبران خسارت در موارد نقض حقوق کودکان در بسترهای آنلاین است. در شرایطی که فضای مجازی ماهیتی فرامرزی، غیر متمرکز و به شدت پویا دارد، تنظیم‌گری مؤثر آن نیازمند تعامل چندجانبه دولت‌ها با نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های مردم‌نهاد، پلتفرم‌های دیجیتال و خود کودکان است. مشارکت فعال کودکان در طراحی سیاست‌های دیجیتال‌محور، می‌تواند به تضمین احترام به کرامت و هویت آنان کمک کرده و زمینه‌ساز توسعه سیاست‌هایی واقع‌بینانه، کارآمد و مبتنی بر نیازهای واقعی کودکان باشد. از منظر اخلاق زیستی نیز، اصل عدم آسیب، احترام به حریم خصوصی کودک و عدالت در دسترسی به منابع ایمن دیجیتال، مؤلفه‌هایی اساسی در سیاستگذاری سلامت‌محور در فضای مجازی هستند. بهره‌کشی دیجیتال، تبلیغات استثماری، دسترسی به محتوای مضر، خشونت سایبری و سایر جلوه‌های نقض سلامت و کرامت انسانی کودکان در این فضا، همگی مصادیقی از نقض حقوق بنیادین کودکان‌اند که بی‌پاسخ‌گذاشتن آن‌ها مغایر با تکالیف حقوقی دولت‌ها و اصول اخلاق جهانی است. به طور کلی، دستیابی به فضای دیجیتال امن، اخلاقی و منطبق با حقوق کودک، مستلزم طراحی و اجرای سیاست‌هایی است که نه‌تنها بر پیشگیری و آموزش تأکید داشته باشند، بلکه ظرفیت‌های پاسخگویی، حمایت و جبران خسارت را نیز فراهم آورند. نظریه حق بر جبران خسارت مؤثر، می‌تواند چهارچوبی حقوقی ـ اخلاقی برای حمایت همه‌جانبه از کودکان در برابر پیامدهای زیانبار فضای دیجیتال فراهم کند؛ چهارچوبی که بر پایه کرامت انسانی، مصالح عالیه کودک و عدالت دیجیتال استوار است و مسیر تحقق عدالت ترمیمی در حوزه حقوق کودکان را در بسترهای مجازی هموار می‌سازد.

مشارکت نویسندگان

یگانه صوفیا: ایده و موضوع، جمع‌آوری اطلاعات و منابع، نگارش مقاله.

محمدمهدی سیدناصری: ارائه ایده و موضوع، تحلیل داده‌ها و نگارش مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

برای کمک در فرآیند تحقیق و نگارش مقاله، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

References

1. Akefi Ghaziani M, Milani SM, Akefi Ghaziani V. Metaverse and legal challenges in property law. Modern Technologies Law. 2022; 3(6): 143-153. [Persian]

2. Shahsavari E, Hasani S. Legal Framework for the Protection of Children's Rights in the Digital Environment in light of CRC General Comment No.25. Public Law Studies Quarterly. 2024; 54(2): 1001-1023. [Persian]

3. Mazloumzadeh A, Jamalzadeh A, Shahabi R. Principles related to kid's rights in the syber atmosphere. Scientific Economic Jurisprudence Studies. 2022; 3(Review on New Researches of Jurisprudence and Law): 35-56. [Persian]

4. Bagherzadeh S, Abbasi M, Sharifi Tarzkouhi H. Protection of the Rights of Transsexuals in the Light of the General Comments of the Committee on the Rights of the Child. Human Rights Journal. 2022; 17(1): 117-140. [Persian]

5. Baruh L, Secinti E, Cemalcilar Z. Online privacy concerns and privacy management: A meta-analytical review. Journal of Communication. 2017; 67(1): 26-53.

6. Buga I. Modification of Treaties by Subsequent Practice. Oxford: Oxford University Press; 2018.

7. Committee on the Rights of the Child. General Comment No.25 (2021) on Children's Rights in Relation to the Digital Environment. UN: United Nations Convention on the Rights of the Child. 2021. Available at: https://www.tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/treatybodyexternal/Download.aspx?symbolno=CRC/C/GC/25&Lang=en. Last Visited September 04, 2022.

8. Ebrahimi Z, Moshrefjavadi Z. Principles Governing the Child's Right to Health in the International Human Rights System. Child Rights. 2020; 1(4): 113-140. [Persian]

9. Hosseini Akbarnezhad H, Javaheri Arasteh M. Criminal protection of children against online abuse in Iran and UK regulations and international documents. Journal of Legal Research. 2021; 19(44): 107-132. [Persian]

10. Hutson, J. Social Virtual Reality: Neurodivergence and Inclusivity in the Metaverse. Societies. 2022; 12(4): 102.

11. Latifzadeh M, Gabuli Dorafshan SMM. Research on the legal issues of metaverse with emphasis on how to protect children. Modern Technologies Law. 2023; 4(8): 181 198. [Persian]

12. Malgieri G, Custers B. Pricing privacy-the right to know the value of your personal data. Computer Law & Security Review. 2018; 34(2): 289-303.

13. Sahoo A. Children's rights in cyberspace. International Journal of Research and Analyze. 2016; 4(2): 36-45.

14. Rheingold H. The virtual community: homesteading on the electronic frontier. Cambridge, MA: Perseus Books; 1993.

15. Saffarinia M. The Right of Children to Access Cyberspace from the Perspective of Domestic and International law (in light of General Comment No.25 (2021) Committee on the Rights of the Child). Modern Technologies Law. 2022; 1401; 3(5): 183-196. [Persian]

16. Saffarinia M. Artificial intelligence and children's human rights. Modern Technologies Law. 2025; 6(11): 97-113. [Persian]

17. Salami S, Zare Esfidani Z, Hasani S, Motamed-Nejad R. The Right to Mental Health of Children in Cyberspace in Light of Iranian Legal System, Islam and International Human Rights Instruments. Journal of Islamic Law Research. 2022; 23(1): 131-160. [Persian]

18. Akefi Ghaziani M, Akefi Ghaziani M. An Overview of International Law Achievements in the Field of Ballistic Missiles Control: Interaction among the Superpowers, an Everlasting Solution. Modern Technologies Law. 2021; 2(4): 253-269. [Persian]

19.

20. Seyednasseri MM. The Child's Right to Mental Health in Cyberspace from the Perspective of International law with Emphasis on General Comment No.25 of the Committee on the Rights of the Child. Child Rights. 2023; 5(18): 15-29. [Persian]

21. Seyednasseri MM, Teymouri M. The Concept of the Right to Health of Children with Special Needs in the Light of the United Nations Convention on the Rights of the Child. HLJ. 2024; 2(2): 1-17. [Persian]

22. Seyednasseri MM. Ethical Challenges to Children's Right to Health in the Metaverse Ecosystem. Faṣlnāmah-i akhlāq-i pizishkī, i.e., Quarterly Journal of Medical Ethics. 2024; 18: e14.

23. Shariati M, Zamaniyan M, Khalili M. Dissemination of images of children in cyberspace and its effect on personality development before puberty, in the light of Iranian law and international regulations. Journal of Law and Modern Studies. 2021; 2(1): 1-18. [Persian]

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

24. Siibak A, Mascheroni G. Children’s data and privacy in the digital age. In CO:RE Short Report Series on Key Topics. Hamburg: Leibniz-Institut für Medienforschung | Hans-Bredow-Institut (HBI); 2021. p.1-13.

25. Stoilova M, Livingstone S, Khazbak R. Investigating Risks and Opportunities for Children in a Digital World: A rapid review of the evidence on children’s internet use and outcomes, Innocenti Discussion Papers, No.2020-03. Florence: UNICEF Office of Research - Innocenti; 2021.

26. The Swedish Authority for Privacy Protection. The rights of children and young people on digital platforms. 2021.

27. Tobin J. The UN Convention on the Rights of the Child: A Commentary. Oxford: Oxford University Press; 2019.

28. Toutounchian M, Sarshar M. The Right to Family Life of Children in the Light of Human Rights System. Child Rights. 2020; 2(7): 105-123. [Persian]

29. UNICEF. Policy guide on children and digital connectivity. 2018. Available at: https://www.unicef.org/esa/media/3141/file/PolicyLab-Guide-DigitalConnectivity-Nov.6.18-lowres.pdf. Last Visited September 04, 2022.

30. UNICEF. Children in a digital world, report. 2017. Available at: https://www.unicef.org/uzbekistan/media/711/file/SOWC:%20Children%20in%20a%20Digital%20World.pdf. Last Visited September 04, 2022.

31. Usmani SS, Sharath M, Mehendale M. Future of mental health in the metaverse. General Psychiatry. 2022; 35(4): e100825.

32. Wang W. Difference between the Real World and Virtual World. Proceedings. 2020; 47(1): 35.

33. Chassiakos YLR, Radesky J, Christakis D, Moreno MA, Cross C. Council on Communications and Media. Children and Adolescents and Digital Media. Pediatrics. 2016; 138(5): e20162593.

[Downloaded from healthlawjournal.ir on 2026-11-23]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.